

John R. Perry - Rachel Lehr, *The Sands of Oxus* (Boyhood Reminiscences of Sadriddin Aini), Mazda Publishers, California, U.S.A, 1998, 275p.

صدرالدین سیدمرادزاده پایه‌گذار ادبیات مردم تاجیک در پانزدهم آوریل سال ۱۸۷۸ میلادی در دهکده «ساکتره» در کنار رودخانه زرافشان نزدیک شهر بخارا متولد شد. تخلص وی عینی بود؛ از آنرو به صدرالدین عینی شهرت دارد. صدرالدین ادبیات و عربی را در مدرسه «میرعرب» بخارا فراگرفت و به مطالعه کتابهای علمی و ادبی اشتغال ورزید. او در زمان امیر بخارا به گناه ترغیب اصول نو، مجسمه‌سازی و گناهان روشنفکرانه «غیربخشودنی» به امر وحشیانه «امیر عالمخان منفیت» به هفتاد و پنج ضربه تازیانه و زندان محکوم گردید. وی بدین ترتیب پس از اجرای حکم بیمار شد و پس از پنجاه و دو روز معالجه در بیمارستان کاگان، به شهر سمرقند مهاجرت نمود.

صدرالدین عینی از نخستین معلمان، روزنامه‌نگاران، تاریخ‌شناسان، ادیبان، زبان‌شناسان و منتقدان تاجیک و از فعالان زبردست فرهنگ و مدنیت جدید جمهوری تاجیکستان به‌شمار می‌رود. نثر نو تاجیک با حکایت «جلادان بخارا» آغاز شده و با تألیف چهار جلد کتاب «یادداشتها» از طرف صدرالدین عینی که به همه زبانهای جمهوری‌های شوروی و بیشتر زبانهای خارجی با نام «بخارا» ترجمه شده به اوج تکامل خود رسیده است. صدرالدین عینی پس از بنیاد فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان به ریاست آن منصوب گشت و نیز عضویت افتخاری فرهنگستان علوم

جمهوری ازبکستان به وی اعطا شد.

صدرالدین عینی به دنبال اشعار انقلابی، همچنین عناوین «عوامل مؤثر در تاریخ انقلاب بخارا» سال ۱۹۲۰-۱۹۲۱ و «تاریخ امیران منغیت بخارا» را در سال ۱۹۲۲ تألیف کرده و در سال ۱۹۲۳ انتشار داده است.

وی در سال ۱۹۲۴ داستان «آدینه یا سرگذشت یک تاجیک» و سپس «زمان غلامان» را منتشر کرد که در آثار نامبرده، زندگی واقعی و فقر و رنج مردم را طی یک قرن با سبک واقع‌گرایی تصویر نموده است.

صدرالدین عینی در سالهای ۱۹۴۵-۱۹۴۰، منظومه «جنگ آدم و آب»، حکایت‌های «مکتب کهنه»، «مرگ سودخور» و رمان «یتیم» را نوشت. این آثار به سرعت به زبانهای روسی و سایر زبانهای معتبر ترجمه شدند و این خود سبب شهرت جهانی مؤلف گردید.

صدرالدین عینی در سالهای جنگ جهانی دوم با زهم چندین اثر به نظم و نثر درآورده که از جمله آنها داستانهای تاریخی «قهرمان مردم تاجیک - تیمور ملک» از تاریخ مبارزان بر ضد لشکریان چنگیزخان و دفاع قلعه باستانی خجند و «عصیان مقنع» است. وی به علاوه چندین منظومه وطن پرستانه و مقالاتی سرشار از آتش غضب و نفرت نسبت به فاشیسم و هیتلر نوشته که انتشار یافتند.

آثار صدرالدین عینی نیز شامل تحقیقات ادبی درباره رودکی، فردوسی، ابوعلی سینا، سعدی، کمال خجندی، علی شیرنوایی، زین الدین محمود واصفی، میرزا عبدالقادر بیدل و دیگر افراد می باشد که سبب موقعیت ممتاز فرهنگی او گردیده و در فرهنگ مردم آسیای مرکزی تأثیر به سزا داشت. در سال ۱۹۶۲، در کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا که در قاهره برگزار گردید صدرالدین عینی را در ردیف چهار تن از بزرگترین استادان ادب امروز خاور زمین همچون تاگور، لیوسین و طه حسین شناخته‌اند. در کشورهای ایران، افغانستان، هند و پاکستان آثار صدرالدین عینی از زمانی که وی آثار «آدینه» و «نمونه ادبیات تاجیک» را آفرید مورد توجه خوانندگان فارسی

زبان واقع شده است که در این مورد نخستین نقد و تحقیق را ادیب معروف ایرانی، سعید نفیسی نگاشته است. ادیب دیگر ایرانی که با صدرالدین عینی ملاقات نمود، علی اصغر حکمت است که در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در جشن پانصدمین سالگرد علی شیرنویسی سخنور بزرگ از یکستان شرکت نمود. در این فرصت مرحوم علی اصغر حکمت با صدرالدین عینی در تاشکند ملاقات کرده و پس از بازگشت به ایران نیز یک قطعه شعر سروده و برای صدرالدین عینی فرستاد. کتاب *شن های آمودریا* در بخشهای مختلف به جزئیات زندگی کودکی و نوجوانی صدرالدین عینی پرداخته و مختصات تحصیل وی در مدرسه های سنتی و دینی یعنی مکتب خانه را شرح می دهد.

کتاب *شن های آمودریا* به زبان انگلیسی که همراه با یک مقدمه مفصل و کامل ۲۵ صفحه ای، تمامی ویژگی های زندگی و آثار و شرایط رشد و بالندگی و ارتباطات و مخاطرات حیات صدرالدین عینی را به تصویر می کشد خواندنی است. این کتاب غیر از مقدمه مشتمل بر بیست و نه عنوان به شرح زیر است: ۱. جشن و تبریک؛ ۲. پس از جشن؛ ۳. کارگاه حلواپزی؛ ۴. برخاستن ماسه ها؛ ۵. دیوار ماسه ها؛ ۶. در روستای سوکتار؛ ۷. پسرک یتیم باهوش و ملاک شرور؛ ۸. زمانی و مکانی برای هر کار؛ ۹. دیوها و شیطانها؛ ۱۰. سگی بنام خالیبار؛ ۱۱. اوستا اماک نجار؛ ۱۲. ناپسری همسایه مان، لطفیلو گاپان؛ ۱۳. یک کانال آب جدید برای آبادی شوفیرکام؛ ۱۴. سبز نمودن شوفیرکام؛ ۱۵. روزهای مدرسه؛ ۱۶. ایام دبیرستان؛ ۱۷. آموزش نوشتن؛ ۱۸. روزه داری و صبحانه خوردن؛ ۱۹. بازار داروشو بود؛ ۲۰. موظف و فراهم کننده؛ ۲۱. درم؛ ۲۲. اولین آثار بخارا؛ ۲۳. ضیافت رسمی «خواجه میراکونی»؛ ۲۴. کشاورزی؛ ۲۵. طاعون؛ ۲۶. درو کردن و چین دوم بونجه؛ ۲۷. سرپرست خانواده؛ ۲۸. آبادی سوکتار در دهه ۱۸۸۰-۱۸۷۰؛ ۲۹. ترک بخارا.

ضمیمه اول از صفحه ۱۹۵ کتاب *شن های آمودریا* با عنوان احمد جن گیر آغاز می گردد و ضمیمه دوم با عنوان مکتب خانه روستا از صفحه ۲۲۱ شروع می شود. در صفحه ۲۵۳ کتاب

فهرست لغات واصطلاحات واسامی خاص مندرج در کتاب توضیح داده می‌شود که خواننده با مطالعه آن از اطلاعات بسیار ارزنده‌ای برخوردار می‌گردد. در اینجا به برخی از اسامی و نامهای ویژه ذکر شده در این بخش کتاب شن‌های آمودریا اشاره می‌کنیم: آبجد - ابومسلم - امین - بسم‌الله - دیوان - امیر بخارا - فرسخ - غزل - امام - جمشید - اسفندیار - خطیب - خورجین - مدرسه - میر عرب - نیات - رستم - سعدی - وقف - شریفجان - مخدوم - زرافشان - سوره و شیربرنج.

در صفحه ۲۶۷ کتاب بخشی از منابع و مأخذ استفاده شده در کتاب شن‌های آمودریا آورده می‌شود که شامل ۷ صفحه بوده و نشانگر تحقیق بسیار کاملی از زندگی و سرگذشت ادیب تاجیکی صدرالدین عینی می‌باشد. در ضمن این امر گواه بر رجوع به اسناد و مدارک بسیاری از طرف نویسندگان کتاب است.

به جهت آشنایی بیشتر خوانندگان با قلم روان و شیرین صدرالدین عینی در اینجا بخشی از نوشته وی را در کتاب معروفش «یادداشتها» می‌آوریم:

«زندگانی کودکی و خردسالی من در صحرا، اساساً در دو دیه گذشته است. این دیه‌ها از هم دور بوده و از جهت آبادانی، مدنیت، عرف و عادت باهم فرق داشتند.

۱. دیه ساکتری: این دیه در غرب رود زرافشان قرار دارد. از میان دیه یک جوی کلان می‌گذرد، این دیه سیراب و آباد بوده و باغهای پرمیوه دارد. سرزمینهای این دیه حاصلخیز بوده در آنجا کشتهای گوناگون می‌رسیدند و از شالی گرفته تا سبزوآت، که کشتهای سیرابی طلب می‌باشند، در این دیه کشت می‌شدند.

باشندگان این دیه از جهت عرق به نام تاجیکان، اورگنجیان و خواجگان، اساساً به چهار جماعت تقسیم یافته، خواجگان به نام میرکانی‌ها، سیداتائی‌ها، غجدوانی‌ها و سکتریگی‌ها، چهار قبیله را تشکیل می‌دادند.

اهالی اصلی قدیمی این دیه تاجیکان و خواجگان ساکتريگی بوده، اورگنجیان از اورگنج، میرکانیان از مشهد، غجدوانیان از قلعه غجدوان، سیداتائی‌ها از سیدانا نام دیه ریان شافرکام،

عربها از باقی ماندگان مهاجران عرب به شمار می‌رفتند.

۲. دیه محله بالا: این دیه در یک فرسخی غرب قلعه غجدوان، در دامنه ریگ روانی که به دشت قزیل می‌پیوندد واقع شده است. این دیه کم آب است. بیشترین زمینهای این دیه زمین پادشاهی بوده بعضی از املاک وقف مدرسه میرعرب بودند که ده یک حاصل به وقف هم داده می‌شد. به لحاظ کم‌آبی بیشترین کشت این دیه گندم، جو و ارزن بوده، سبزوات هیچ کشت نمی‌شد. در این دیه دو نفر بای کلان و دوسه نفر دهقانان میانه حال بوده، باقی ماندگان اهالی امروز را یابند، فردا را نمی‌یافتند. کسب اساسی اهالی اینجا دهقانی باشد. هم زندگانی هیچ یک از عامه اهالی از دهقانی نمی‌گذشت حتی از دهقانی ضرر کشیده جای این ضرر را با کسبهای دیگر پر می‌کردند».

صدرالدین عینی در سال ۱۹۵۴ در شهر دوشنبه چشم از این جهان پوشید و در همانجا در «چهارباغ عینی» (پارکی به نام عینی) آن مرد فرهنگ پرور در آرامگاه خود آرمید.

قاسم ملکی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپوهنځي ښوونځي ښوونځي
پرتال جامع علوم انساني